



بررسی تأثیر برنامه آموزش خلاقیت بر افزایش دانش، نگرش و مهارت معلمان ابتدایی

مدارس استثنایی خراسان جنوبی

نویسنده:

حسین هاونگی^۱

مقدمه

با مرور کلی بر تاریخ گذشته به روشنی درمی‌یابیم که تعلیم و تربیت به‌عنوان یک رکن اساسی در زندگی بشری همواره مطرح بوده است. منتهی میزان موفقیت و جدیت در این فرایند از نسلی به نسل دیگر و از زمانی به زمان دیگر متفاوت می‌باشد. از جانب دیگر تعلیم و تربیت برای انسان همواره به‌عنوان وسیله‌ای که از طریق آن به نیازها و ضروریات زندگی معاصر پاسخ می‌داده، مطرح بوده است، یعنی همواره انسان بالغ از طریق فرایند آموزش و پرورش نسل جدید را برای زندگی آماده می‌کرده است، زیرا انسان باید با شرایط طبیعی و محیطی هماهنگ و سازگار گردد، چون مانند حیوانات دیگر نمی‌تواند چنین قدرت سازگاری را از طبیعت فراگیرد، بلکه ناگزیر از فراگیری آن از نوع خود یعنی انسان‌های دیگر می‌باشد. انسان موجودی است اجتماعی و زندگی در اجتماع نیز مستلزم آشنایی با حقوق، مسؤولیت‌ها، قوانین و وظایف است که این امر جز با آموزش و پرورش ممکن نخواهد بود. اهمیت تعلیم و تربیت در زندگی انسانی و ارتباط تنگاتنگ آن با آموزش و پرورش، باعث گردید که آدمیزاده همواره بر تلاش خود برای سازماندهی و تحت کنترل درآوردن این فرایند خطیر بیفزایند. از جانب دیگر پیشرفت‌های علمی و یافته‌های جدید بشری در عرصه علوم و فناوری بر اهمیت و قدرت بخشیدن به این تلاش‌ها نقش به‌سزایی داشته است. به‌مرور زمان و با پیدایش نیازها و امکانات بیشتر تعلیم و تربیت سنتی که محدود به آموزش تصادفی غیرمنظم بوده، بشر در تربیت نسل جدید ناتوان گردید و آموزش‌های پراکنده از جانب خانواده و بزرگ‌سالان کم‌کم جای خود را به نهادها و سازمان‌های منسجم و سازمان‌یافته‌ای دادند که هدف غایی آن‌ها تعلیم و تربیت نسل جوان و آماده کردن او برای زندگی بود. بر این اساس پرواضح است که تعلیم و تربیت انسان کاری پراج و درعین حال وقت‌گیر می‌باشد که نتایج قطعی و نهایی آن نسبتاً دیر آشکار می‌شود. از این رو مستلزم برنامه و نقشه‌ای است که این سیر طولانی را ترسیم نموده تا چراغ راه فعالیت‌ها و تلاش‌ها باشد. در واقع اهمیت تربیت آدمی مهم‌تر از آن است که به دست تصادف سپرده شود، در تأیید این مطلب می‌توان به عبارتی که دکتر هوشیار در توصیف تعلیم و تربیت بیان کرده است استناد نمود که «تعلیم و تربیت فعل و انفعالی است میان دو قطب سیال که

^۱ آموزش و پرورش



مسبوق به اصلی و متوجه هدفی و مستلزم طرح و نقشه ای باشد». از این رو برای رسیدن به هدف تربیت آدمی و ظهور گوهر وجودی او باید نقشه و برنامه ای مهیّا نمود. نظام‌های آموزشی برای تعلیم و تربیت انسان‌ها ناگزیر به تدوین برنامه‌ای هستند که بر اساس آن فعالیت‌های آموزشی را به‌طور نظام یافته به انجام رسانند، برنامه‌ای که کلید فعالیت‌ها و فرصت‌های ممکن برایش پیش‌بینی کرده و در اختیار یادگیرندگان قرار دهد. از طرف دیگر از ویژگی‌های بارز انسان و محور حیات او قدرت اندیشه‌ای است که عالی‌ترین و پیچیده‌ترین جلوه اندیشه او تفکر خلاق است. براین اساس اکثر متفکرین اذعان دارند که بقا و رشد هر جامعه وابسته به میزان توجهی دارد که برای ظهور و گسترش این توانایی می‌توان به عمل آورد و به وجود افراد مستعد و خلاق به‌عنوان ارزشمندترین گنجینه‌های منابع انسانی نگاه کرد. این موضوع تنها از طریق تربیت صحیح شکل گرفته و ظهور می‌یابد. بنابر این وجود یک برنامه‌ریزی دقیق و مناسب در جهت بهبود کیفیت نظام آموزشی خصوصاً برای دانش‌آموزان استثنایی، امری ضروری می‌باشد. در بسیاری از کشورهای پیشرفته این مهم شناخته شده و مورد توجه ویژه قرار دارد. چنانچه خلاقیت به‌عنوان یک موضوع بسیار اساسی در تعلیم و تربیت مطرح و درباره آن تحقیقات و مطالعات متعددی صورت گرفته است و بر اساس آن به اصلاح نظام آموزشی در راستای توسعه و گسترش توانایی‌های خلاق دانش‌آموزان پرداخته اند. جامعه‌ی رو به رشد ما بیش‌ازپیش نیازمند وجود افراد خلاق و مبتکر است، زیرا شناخت و پرورش توانایی‌های بالقوه این افراد موجب سرعت چرخ‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور می‌گردد. موفقیت در این زمینه مستلزم آن است که موقعیت کنونی آموزش و پرورش استثنایی را کاملاً بشناسیم و سپس با توجه به شرایط، برای ارتقای نظام آموزشی برنامه‌ریزی مناسبی بنماییم. در این مقوله معلمان یکی از مهم‌ترین عناصر مؤثر در نظام آموزشی هر کشور هستند. نگرش معلمان به خلاقیت، میزان شناخت آن‌ها به موضوع و نحوه‌ی تدریس و اداره کلاس تأثیر مستقیمی بر غنی‌سازی محیط کلاس درس برای رشد خلاقیت دانش‌آموزان دارد. معمولاً معلمان خلاق بهترین الگو برای خلاقیت دانش‌آموزان می‌باشند. البته معلمانی که درعین حال که خود خلاق هستند، شرایط مناسب برای خلاقیت دانش‌آموزان فراهم می‌آورند (حسینی، ۱۳۷۸). برای داشتن معلمانی خلاق که قادر به پرورش خلاقیت باشند، لازم است آن‌ها خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن را به‌خوبی شناخته و نگرش مناسبی به آن داشته باشند. این جا این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان با آموزش لازم، موانع رشد خلاقیت را برطرف نمود؟ و آیا می‌توان با آموزش مناسب، نگرش مثبت و شناخت لازم را در معلمان فراهم نمود؟

روش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات شبه آزمایشی است که به‌صورت پیش‌آزمون - پس‌آزمون با یک گروه کنترل انجام شد. جامعه‌ی آماری این پژوهش کلیه معلمان ابتدایی، مدارس استثنایی خراسان جنوبی می‌باشند. از جامعه آماری یاد شده تعداد ۱۲۰ نفر به‌طور تصادفی از پنج شهرستان (بیرجند، زیرکوه، سربیشه، درمیان و نهبندان) انتخاب شدند. از این تعداد



۶۰ نفر به صورت تصادفی برای گروه آزمایشی و ۶۰ نفر برای گروه گواه انتخاب گردیدند که در جدول شماره ۱ تعداد آن‌ها بر مبنای مدرک تحصیلی مشخص شده است.

جدول شماره ۱ مقایسه مدرک تحصیلی گروه آزمایش و گواه

گواه		آزمایش		شاخص آماری	
				مدرک تحصیلی	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۱۰	۶	۳/۳	۲	فوق دیپلم	
۷۶/۷	۴۶	۹۶/۷	۵۸	لیسانس	
۱۳/۳	۸	-	-	فوق لیسانس و بالاتر	

روش نمونه‌گیری استفاده شده در این پژوهش روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. با توجه به سه متغیر مورد توجه در پژوهش یعنی دانش، نگرش و مهارت تدریس پرسشنامه‌ای در سه بخش به صورت پیش‌آزمون و پس‌آزمون ارائه گردید. بخش دانش شامل ۱۰ سؤال، بخش نگرش شامل ۳۰ سؤال و همچنین در بخش مهارت شامل ۳۵ سؤال را در برمی‌گرفت؛ بنابراین پرسشنامه شامل ۷۵ سؤال بود و از مقیاس پنج رتبه‌ای لیکرت بهره گرفته شد که در مقابل هر سؤال پنج گزینه از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق و از هرگز تا همیشه قرار دارد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات هر گزینه کدگذاری شد که به عنوان نمره افراد محاسبه گردید. برای سنجش پایایی از ضریب همسانی درونی آلفای کرانباخ استفاده شد. این ضریب برای نگرش ۰/۸۵، مهارت ۰/۷۷ تعیین گردید که نشان دهنده پایایی بالای آزمون هاست. البته ضریب پایایی این آزمون در صورت اجرای مجدد بالاتر خواهد بود. آزمون با توجه به زیر بنای نظریه‌ای قوی و اتفاق متخصصین، هم از نظر صوری و هم محتوایی از اعتبار بالایی برخوردار است. علاوه بر آن جهت اعتبار آزمون ضریب همبستگی تک تک سؤالات آزمون‌ها با نمره کل آزمون بر اساس ضرایب همبستگی با روش kendalls tau-b بررسی شد که در مجموع اغلب سؤالات از ضریب همبستگی بالایی برخوردار بودند. لذا پرسشنامه دارای اعتبار لازم نیز هست.

اجرای پژوهش پس از اخذ مجوز برگزاری دوره میسر شد، بدین صورت که از هر دو گروه آزمون اولیه به عمل آمد سپس دوره آموزشی به مدت ۷۰ ساعت در طول یک ماه و نیم برگزار شد. دوره آموزشی به صورت کارگاه آموزشی شامل تئوری و عملی بودن آموزش در سه بخش ارائه شد ۱۵ ساعت ماهیت و مفاهیم اساسی در خلاقیت- ۲۵ ساعت روش‌های آموزش خلاقیت- ۳۰ ساعت روش‌های پژوهش خلاقیت در مدرسه و کلاس هر جلسه ابتدا مفاهیم لازم توسط مدرس تحقیق بیان می‌شد و سپس با مفاهیم ارائه شده توسط معلمان به صورت گروهی به کار گرفته می‌شد، آنگاه از معلمان خواسته می‌شد به صورت انفرادی موضوعات را در کلاس خود اجرا نموده و نتایج را برای جلسه بعد ارائه دهند ابتدای هر



جلسه نتایج کاری معلمان بررسی شده و بازخورد لازم داده می‌شد. پس از پایان دوره مجدداً آزمون نهایی به عمل آمد تا تأثیر دوره مشخص گردد.

یافته‌ها

فرضیه اول پژوهش برنامه آموزش خلاقیت بر افزایش دانش معلمان ابتدایی مدارس استثنایی خراسان جنوبی تأثیر داشته است. یافته‌های مربوط به آن در جداول شماره ۲ و ۳ ارائه شده است.

جدول شماره ۲- نتایج آزمون مستقل بین گروه آزمایشی و گروه گواه در عامل دانش (پیش از دوره)

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	شاخص آماری گروه
۲/۸۲	۱۴/۴۰	۶۰	کنترل
۲/۸۱	۱۴/۶۰	۶۰	آزمایش

$$T = 0.39 \quad df = 118 \quad P = N/S$$

جدول شماره ۳- نتایج آزمون مستقل بین گروه آزمایشی و گروه گواه در عامل دانش (بعد از دوره)

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	شاخص آماری گروه
۲/۲۹	۱۴/۷۰	۶۰	کنترل
۲/۲۳	۱۷/۲۳	۶۰	آزمایش

$$T = 6 \quad df = 118 \quad P < 0.001$$

همان‌طور که جداول ۲ و ۳ نشان می‌دهد، میانگین نمرات دانش، قبل از مداخله در گروه کنترل و آزمایش تفاوت معناداری از نظر آماری ندارند (در گروه کنترل $14/40 \pm 2/82$ و در گروه آزمایش $14/60 \pm 2/81$) ولی پس از مداخله، میانگین نمره دانش در گروه کنترل $14/70 \pm 2/29$ و در گروه آزمایش $17/23 \pm 2/23$ است که این تفاوت از نظر آماری معنادار می‌باشد. بنابراین می‌توان ادعا کرد که دوره آموزشی برگزار شده، آگاهی معلمان را نسبت به خلاقیت در حد قابل توجهی افزایش داده است.

دومین فرضیه پژوهش برنامه آموزش خلاقیت برافزایش نگرش معلمان ابتدایی مدارس استثنایی خراسان جنوبی تأثیر



داشته است. یافته‌های مربوط به آن در جداول شماره ۴ و ۵ ارائه شده است.

جدول شماره ۴- نتایج مقایسه میانگین‌های نگرش بر دو گروه آزمایشی و گواه (پیش از دوره)

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	شاخص آماری / گروه
۱۲/۲۷	۱۲۴/۶۲	۶۰	کنترل
۱۷/۳۳	۱۲۳/۵۲	۶۰	آزمایش

$$T = 0.40 \quad df = 118 \quad P = N/S$$

جدول شماره ۵- نتایج مقایسه میانگین‌های نگرش بر دو گروه آزمایشی و گواه (بعد از دوره)

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	شاخص آماری / گروه
۱۲/۶۷	۱۲۴/۹۰	۶۰	کنترل
۸/۳۶	۱۳۹/۲۸	۶۰	آزمایش

$$T = 0.7 \quad df = 118 \quad P < 0.001$$

همان‌طور که جداول ۴ و ۵ نشان می‌دهد، میانگین نمرات نگرش، قبل از مداخله در گروه کنترل و آزمایش تفاوت معناداری از نظر آماری ندارند (در گروه کنترل $124/62 \pm 12/7$ و در گروه آزمایش $123/52 \pm 17/33$) ولی پس از مداخله، میانگین نمره نگرش در گروه کنترل $124/90 \pm 12/67$ و در گروه آزمایش $139/28 \pm 8/36$ است که این تفاوت از نظر آماری معنادار می‌باشد. بنابراین می‌توان ادعا کرد که دوره آموزشی برگزارشده، نگرش معلمان را نسبت به خلاقیت در حد قابل توجهی رشد داده است. فرضیه سوم پژوهش برنامه آموزش خلاقیت برافزایش مهارت معلمان ابتدایی مدارس استثنایی خراسان جنوبی تأثیر داشته است. یافته‌های مربوط به آن در جداول شماره ۶ و ۷ ارائه شده است.

جدول شماره ۶- نتایج مقایسه میانگین‌های مهارت بر دو گروه آزمایشی و گواه (پیش از دوره)

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	شاخص آماری / گروه
۱۵/۸۵	۱۳۷/۲۳	۶۰	کنترل
۱۸/۵۷	۱۳۹/۶۵	۶۰	آزمایش

$$T = 8 \quad df = 118 \quad P = N/S$$



جدول شماره ۷- نتایج مقایسه میانگین های مهارت بر دو گروه آزمایشی و گواه (بعد از دوره)

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	شاخص آماری گروه
۱۴/۷۲	۱۳۷/۳۳	۶۰	کنترل
۱۱/۶۸	۱۵۹/۸۱	۶۰	آزمایش

$$T = 9 \quad df = 118 \quad P < 0.001$$

همان طور که جداول ۶ و ۷ نشان می دهد، میانگین نمرات مهارت، قبل از مداخله در گروه کنترل و آزمایش تفاوت معناداری از نظر آماری ندارند (در گروه کنترل $15/85 \pm 137/23$ و در گروه آزمایش $18/57 \pm 139/65$) ولی پس از مداخله، میانگین نمره مهارت در گروه کنترل $14/72 \pm 137/33$ و در گروه آزمایش $11/68 \pm 159/81$ است که این تفاوت از نظر آماری معنادار می باشد. بنابراین می توان ادعا کرد که دوره آموزشی برگزار شده، مهارت تدریس معلمان را نسبت به خلاقیت در حد قابل توجهی رشد داده است.

اولین سؤال پژوهش در خصوص تأثیر برنامه آموزش خلاقیت برافزایش آگاهی معلمان به خلاقیت به چه صورت بوده است؟ که یافته های مربوط نظرات آنان در جداول شماره ۸، ۹ و ۱۰ ارائه شده است.

جدول ۸- آیا برنامه ی آموزش خلاقیت آگاهی شما را به خلاقیت افزایش داده است؟

شاخص آماری	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	جمع
تعداد	۵۴	۵	۱	۰	۰	۶۰
درصد	۹۰	۸/۳۳	۱/۶۷	۰	۰	۱۰۰

همان طور که در جدول شماره ۸ نشان داده شده است، ۹۰ درصد معلمان تأثیر دوره را در افزایش دانش و آگاهی خویش بسیار زیاد و ۸/۳۳ درصد زیاد و ۱/۶۷ متوسط دانسته اند.

جدول شماره ۹- آیا برنامه ی آموزش خلاقیت نگرش شما را به خلاقیت افزایش داده است؟

شاخص آماری	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	جمع
تعداد	۵۶	۴	۰	۰	۰	۶۰
درصد	۹۳/۴	۶/۶	۰	۰	۰	۱۰۰



همان طور که در جدول شماره ۹ نشان داده شده است، ۹۳/۴ درصد معلمان تأثیر دوره را در افزایش دانش و آگاهی خویش بسیار زیاد و ۶/۶ درصد زیاد دانسته‌اند.

جدول شماره ۱۰- آیا برنامه‌ی آموزش خلاقیت مهارت‌های تدریس شما را به خلاقیت افزایش داده است؟

شاخص آماری	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	جمع
تعداد	۵۳	۶	۱	۰	۰	۶۰
درصد	۸۸/۳۳	۱۰	۱/۶۷	۰	۰	۱۰۰

همان طور که در جدول شماره ۱۰ نشان داده شده است، درصد ۸۸/۳ معلمان تأثیر دوره را در افزایش دانش و آگاهی خویش بسیار زیاد و ۱۰ درصد زیاد و ۱/۶۷ متوسط دانسته‌اند.

دومین سؤال پژوهش درباره این است که آیا تأثیر برنامه آموزش خلاقیت بر دانش، نگرش و مهارت معلمان متفاوت بوده است؟ به منظور پاسخگویی به این سؤال از روش تحلیل واریانس یک طرفه و آزمون تعقیبی توکی استفاده شده که یافته‌های مربوط به آن در جداول ۱۱، ۱۲ و ۱۳ ارائه شده است.

جدول شماره ۱۱- میانگین نمرات دانش، نگرش و مهارت معلمان در خلاقیت پس از اجرای برنامه آموزش

انحراف معیار	میانگین	تعداد	شاخص‌های آماری
			مؤلفه‌ها
۳/۲۸	۲/۶۳	۶۰	دانش
۱۴/۸۸	۱۵/۷۶	۶۰	نگرش
۱۷/۴۱	۱۲/۸۱	۶۰	مهارت

همان طور که جدول شماره ۱۱ نشان می‌دهد، بین نمرات معلمان آموزش و پرورش استثنایی در مؤلفه‌های دانش، نگرش و مهارت در خلاقیت تفاوت وجود دارد.



جدول شماره ۱۲- نتایج آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه دانش، نگرش و مهارت معلمان در خلاقیت

سطح معنی داری	F	میانگین مجدورات	درجه آزادی	مجموع مجدورات	شاخص‌های آماري
					منابع تغییرات
۰/۰۰۰۱	۲۷/۶۴	۴۹۳۴/۴۸	۲	۹۸۶۸/۹۷	بین گروهی
		۱۷۸/۵۱۲	۱۷۷	۳۱۹۶/۶۰	درون گروهی
		-	۱۷۹	۴۱۴۶۵/۵/۵۷	کل

نتایج جدول شماره ۱۲ نشان می‌دهد که بین دانش، نگرش و مهارت معلمان ابتدایی مدارس استثنایی درباره‌ی خلاقیت تفاوت وجود دارد و این تفاوت به لحاظ آماری معنی دار است ($F=27/64$ و $P<0/0001$). به منظور مقایسه‌ی زوجی بین میانگین‌ها، از آزمون تعقیبی توکی استفاده شد. نتایج تحلیل در جدول ۱۳ ارائه شده است.

جدول شماره ۱۳ نتایج آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه‌ی زوجی بین میانگین‌ها

سطح معنی داری	خطای استاندارد	تفاوت بین میانگین‌ها	شاخص‌های آماری
			میانگین‌ها
۰/۰۰۰۱	۲/۴۳	-۱۲/۱۳	۲۱
۰/۰۰۰۱	۲/۴۳	-۱۷/۴۰	۳
۰/۰۰۰۱	۲/۴۳	۱۳/۱۳	۱۲
۰/۱۹	۲/۴۳	-۴/۲۶	۳
۰/۰۰۰۱	۲/۴۳	۱۷/۴۰	۱۳
۰/۱۹	۲/۴۳	۴/۲۶	۲

همان‌طور که جدول شماره ۱۳ نشان می‌دهد حداقل بین دو میانگین تفاوت معنی داری موجود دارد.



بحث و نتیجه گیری

با پیشرفت روزافزون دانش و فناوری و جریان گسترده اطلاعات، امروزه مدارس استثنایی خراسان جنوبی نیازمند آموزش مهارت‌هایی است که با کمک آن بتواند همگام با توسعه علم و فناوری دانش آموزان را به پیش ببرد. هدف باید پرورش دانش آموزانی باشد که بتوانند زمانی که با مشکلات روبرو شده و به حل آن‌ها بپردازند و بتوانند به خوبی با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و با بهره‌گیری از دانش جمعی و تولید افکار نو با توجه به ویژگی‌های فردی مشکلات را از میان بردارند. یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در بروز خلاقیت در مدارس ابتدایی استثنایی، زمینه‌سازی و بسترسازی جهت ایجاد فرهنگی است که در آن دانش آموزان درصدد تلاش برای رشد دادن دیگری هستند و با تأثیر بر روی یکدیگر به پیشرفت جامعه کمک می‌کنند. پژوهش حاضر با توجه به رویکرد فوق تحت عنوان بررسی و ارزیابی برنامه‌ی آموزشی خلاقیت معلمان ابتدایی مدارس استثنایی خراسان جنوبی است تا مشخص شود تأثیر خلاقیت در افزایش آگاهی، مهارت‌های تدریس و ایجاد نگرش مثبت در معلمان به چه میزان هست. براین اساس تحقیق حاضر به دنبال دستیابی به اهداف ذیل هست

(الف) اطلاع از تأثیر برنامه‌ی آموزش خلاقیت در افزایش دانش و آگاهی معلمان از خلاقیت.

(ب) اطلاع از تأثیر برنامه‌ی آموزش خلاقیت در ایجاد نگرش مثبت معلمان به خلاقیت.

(ج) اطلاع از تأثیر آموزش‌های خلاقیت در ایجاد مهارت‌های تدریس خلاق

(د) آیا از نظر معلمان، برنامه‌ی آموزش خلاقیت دانش، نگرش و مهارت آنان را در خلاقیت افزایش داده است؟

(ه) آیا تأثیر برنامه‌ی آموزش خلاقیت بر دانش، نگرش و مهارت معلمان متفاوت است؟

تحقیقات انجام یافته قبلی که در ارتباط با این موضوع بوده‌اند حاوی نتایجی می‌باشند که راهگشای محقق در انجام این تحقیق بوده است. از آن جمله یافته‌های قبلی معلمان بر دانش‌آموزانشان در کلاس درس نفوذی فراتر از سطح آموزش موضوع‌های درسی دارند. تشخیص این تأثیرها برای این‌که بتوان آگاهانه به نیازهای آموزشی تمامیت کودک پاسخ گفت مهم است. تحقیق توسط خلیفا و همکارانش (۱۹۹۶). در زمینه آموزش خلاقیت که در سودان انجام گرفته، نشان می‌دهد، دانش آموزانی که تحت آموزش نوین قرار گرفتند دارای توانایی ادراکی بهتری هستند در حالی که دانش آموزانی که به طور سنتی آموزش دیدند از فعالیت کلامی خوبی برخوردار شدند. اما به طور کلی افرادی که تحت آموزش نوین قرار گرفتند نمرات خلاقیت بالاتری داشتند. یافته‌های دیگری توسط هنسی (۱۹۹۵) در این زمینه صورت گرفته که نشانگر آن است که کلاس و معلم نقش مهمی در افزایش انگیزه برای خلاقیت دارند. همین‌طور فارمن (۱۹۹۸) به بررسی رفتار معلم در ایجاد جو خلاق در کلاس پرداخته و نتیجه گرفته است که بین رفتار معلم و خلاقیت دانش آموزان همبستگی بالایی وجود دارد. آمابیل، (۱۹۹۹) در تحقیق دیگری تأثیر دو شیوه مختلف آموزشی در حل مسئله را مورد بحث قرار دادند. سبک الگوریتمی یا قانونمند با روش اکتشافی و قابل انعطاف مقایسه شده و تأثیر مثبت روش دوم



مشخص گردید. زلینا و همکارانش (۱۹۹۶) در تحقیق خویش سبک تعاملی را بهترین سبک برای رشد خلاقیت در کلاس یافتند. مندکا (۱۹۹۶) به بررسی پرورش خلاقیت از طریق هنرهای نمایشی پرداخت و هنر را بهترین ابزار آموزشی برای رشد خلاقیت یافت. (یودو، ۱۳۵۸) نیز تحقیق در همین ارتباط انجام داد که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، معلمانی که از نگرش مثبتی نسبت به خلاقیت برخوردارند، تأثیر مثبتی در افزایش خلاقیت شاگردان دارند. رنزولی (۱۹۹۳) طرح جامعی که هدف آن گسترش و ترویج خلاقیت در مدارس بود را ارائه داد، طرح غنی‌سازی نزولی با وجود اهداف و مراحل گسترده به سبب سهولت اجرا به نتایج موفقیت‌آمیزی نائل شد. همین‌طور نتایج تحقیق کرکا (۱۹۹۹) نشان داده است، مدرسه مانع و سدی در برابر خلاقیت می‌باشد و لذا بسیاری از خلاقیت‌ها در سنین بالا به ظهور می‌رسد. یغمایی (۱۳۷۵) به بررسی تأثیر جو مدرسه در میزان خلاقیت دانش‌آموزان پرداخته است و به این نتیجه رسیده که مدارس با جو باز نمرات خلاقیت بالاتر است. همچنین روح الهی (۱۳۷۲) به بررسی تأثیر آموزش‌های ارائه‌شده در دوره‌ی متوسطه بر خلاقیت دانش‌آموزان پرداخته است و میزان خلاقیت دانش‌آموزان پایه سوم دوره‌ی متوسطه را با گروه هم سن آن‌ها که در دوره‌ی سوم راهنمایی ترک تحصیل کرده‌اند مقایسه نموده است که پژوهش نتایج نشان داده که آموزش‌های ارائه‌شده در دوره‌ی متوسطه نه تنها در پرورش توانایی خلاقیت مؤثر نبوده است، بلکه ویژگی‌های غیراخلاقی مانند پیروی از دیگران، عادت و اتکا و عدم ابداع و نوآوری را تقویت نموده است. در تحقیق دیگری سیف (۱۳۷۴) نیز تأثیر آموزش نقاشی به روش باز در پرورش کودکان ۱۰ ساله پسر را مورد توجه قرارداد که نتیجه آن که آموزش نقاشی به روش باز بر پرورش خلاقیت اثر مثبت نشان می‌دهد. بر این اساس از آنجایی که تحقیق حاضر در پی بررسی و ارزیابی برنامه‌ی آموزش خلاقیت بر دانش، نگرش و مهارت معلمان ابتدایی مدارس استثنایی خراسان جنوبی است، به لحاظ موارد مذکور و همچنین اهداف ناظر بر این تحقیق و توجه به این نکته که تحقیق حاضر در شرایط کاملاً طبیعی بر افراد شرکت داده‌شده در دوره آموزشی را نمونه‌ی نسبتاً مناسبی از معلمان مشغول به تدریس در مراکز آموزشی استثنایی می‌باشند را تشکیل می‌دهد. جامعه آماری این پژوهش کلیه معلمان ابتدایی، مدارس استثنایی خراسان در سال انجام پژوهش هستند. از جامعه آماری یادشده پنج شهرستان انتخاب شده و از بین معلمان ابتدایی این شهرستان‌ها ۱۲۰ نفر به‌طور تصادفی انتخاب شده‌اند. از این تعداد ۶۰ نفر به‌صورت تصادفی برای گروه آزمایشی و ۶۰ نفر برای گروه گواه انتخاب گردیدند؛ بنابراین روش تحقیق، نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. بدین‌صورت که شهرستان‌های بیرجند، سربیشه، زیرکوه، درمیان و نهبندان به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. سپس از مدارس هر منطقه تعدادی از معلمان به‌طور تصادفی انتخاب شدند. با توجه به سه متغیر مورد توجه در پژوهش یعنی دانش، نگرش و مهارت تدریس پرسش‌نامه‌ای در سه بخش به‌صورت پیش‌آزمون و پس‌آزمون ارائه گردید. بخش دانش شامل ۱۰ سؤال، بخش نگرش شامل ۳۰ سؤال و همچنین در بخش مهارت شامل ۳۵ سؤال را دربرمی‌گرفت؛ بنابراین پرسش‌نامه شامل ۷۵ سؤال است و از مقیاس پنج رتبه‌ای لیکرت بهره گرفته شده است که در مقابل هر سؤال پنج گزینه از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق و از هرگز تا همیشه قرار دارد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات هر گزینه کدگذاری شد که به‌عنوان نمره افراد محاسبه می‌گردد. در رابطه



با اجرای پژوهش در ابتدا از هر دو گروه آزمون اولیه به عمل آمد سپس دوره آموزشی به مدت ۷۰ ساعت در طول یک ماه و نیم برگزار شد. دوره آموزشی به صورت کارگاه آموزشی شامل تئوری و عملی بودن آموزش در سه بخش ماهیت و مفاهیم اساسی، روش های آموزش خلاقیت و روش های پژوهش خلاقیت در مدرسه و کلاس ارائه شد. در ادامه پس از پایان دوره مجدداً آزمون نهایی از هر دو گروه کنترل و آزمایش به عمل آمد تا تأثیر دوره مشخص گردد.

نمونه ی مورد مطالعه معلمان ابتدایی مدارس استثنایی خراسان جنوبی می باشند که به دو گروه آزمایش و گواه تقسیم شدند. میزان تحصیلات افراد گروه آزمایشی همان طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می شود، بیشتر در لیسانس با ۹۶/۷ درصد و سپس فوق دیپلم ۳/۳ در صد می باشد. در گروه گواه نیز به طور تقریباً مشابهی فوق لیسانس، ۱۰ درصد، لیسانس با ۷۶/۷ درصد و سپس فوق دیپلم ۱۳/۳ در صد نشان می دهد. بر این اساس دو گروه آزمایش و گواه در زمینه تحصیلات از شرایط نسبتاً مشابهی برخوردارند. از هر دو گروه آزمون های اولیه و نهایی به عمل آمد تا نتیجه ی دوره آموزشی بر گروه آزمایش روشن گردد که نتایج به دست آمده از تحقیق به شرح ذیل هست.

الف) در عامل دانش همان طور که در جداول شماره ۲ و ۳ مشهود است، میانگین نمرات دانش، قبل از مداخله در گروه کنترل و آزمایش تفاوت معناداری از نظر آماری ندارند (در گروه کنترل $14/60 \pm 2/82$ و در گروه آزمایش $17/23 \pm 2/23$) ولی پس از مداخله، میانگین نمره دانش در گروه کنترل $14/70 \pm 2/29$ و در گروه آزمایش $17/23 \pm 2/23$ است که این تفاوت از نظر آماری معنادار می باشد و فرضیه اول پژوهش مبنی بر این که برنامه آموزش خلاقیت، دانش معلمان را به خلاقیت افزایش می دهد، تأیید می گردد. زیرا بین دو گروه کنترل و آزمایش (کنترل $14/40$ و در گروه آزمایش $14/60$)، در پیش آزمون تفاوت معناداری دیده نشده است. اما میانگین نمرات در آزمون نهایی (گروه کنترل $14/70$ و در گروه آزمایش $17/23$) تفاوت عمده ای را نشان می دهد و این معناداری بیانگر تأثیر دوره آموزشی در گروه آزمایش می باشد.

ب) در عامل نگرش، همان طور که در جداول شماره ۴ و ۵ مشهود است، میانگین نمرات نگرش، قبل از مداخله در گروه کنترل و آزمایش تفاوت معناداری از نظر آماری ندارند (در گروه کنترل $124/62 \pm 12/27$ و در گروه آزمایش $123/52 \pm 17/33$) ولی پس از مداخله، میانگین نمره نگرش در گروه کنترل $124/90 \pm 12/67$ و در گروه آزمایش $139/28 \pm 8/36$ است که این تفاوت از نظر آماری معنادار می باشد و فرضیه دوم پژوهش مبنی بر این که برنامه آموزش خلاقیت، نگرش معلمان را به خلاقیت افزایش می دهد، تأیید می گردد. زیرا بین دو گروه کنترل و آزمایش (کنترل $124/62$ و در گروه آزمایش $123/52$)، در پیش آزمون تفاوت معناداری دیده نشده است. اما میانگین نمرات در آزمون نهایی (گروه کنترل $124/90$ و در گروه آزمایش $139/28$) تفاوت عمده ای را نشان می دهد. لذا دوره آموزشی در تغییر نگرش معلمان به خلاقیت تأثیر مثبتی داشته است.

ج) در عامل مهارت های تدریس همان طور که در جداول شماره ۶ و ۷ مشهود است، میانگین نمرات مهارت، قبل از مداخله در گروه کنترل و آزمایش تفاوت معناداری از نظر آماری ندارند (در گروه کنترل $137/23 \pm 15/85$ و در گروه



آزمایش ۱۸/۵۷±۱۳۹/۶۵) ولی پس از مداخله، میانگین نمره مهارت در گروه کنترل $14/72 \pm 137/33$ و در گروه آزمایش $11/68 \pm 159/81$ است که این تفاوت از نظر آماری معنادار می‌باشد و فرضیه سوم پژوهش مبنی بر این‌که برنامه آموزش خلاقیت، مهارت‌های تدریس معلمان را به خلاقیت افزایش می‌دهد، تأیید می‌گردد. زیرا بین دو گروه کنترل و آزمایش (کنترل ۲۳/۱۳۷ و در گروه آزمایش ۱۳۹/۶۵)، در پیش‌آزمون تفاوت معناداری دیده نشده است. اما میانگین نمرات در آزمون نهایی (گروه کنترل $137/33$ و در گروه آزمایش $159/81$) تفاوت عمده‌ای را نشان می‌دهد و این معناداری بیانگر تأثیر دوره آموزشی در گروه آزمایش می‌باشد.

(د) جداول شماره ۸، ۹ و ۱۰ بیانگر دیدگاه معلمان آموزش و پرورش استثنایی خراسان جنوبی نسبت به دوره‌ی آموزشی است که کل آن‌ها اعتقاد به تأثیر خوب دوره داشته‌اند.

(ه) جداول شماره ۱۱، ۱۲ و ۱۳ بیانگر این است که برنامه‌ی آموزش خلاقیت تأثیر متفاوتی بر دانش، نگرش و مهارت معلمان داشته است. با توجه به نتایج به‌دست آمده از تجزیه و تحلیل آماری دوره آموزش تأثیر مثبتی در افزایش دانش، تغییر نگرش و افزایش مهارت‌های تدریس معلمان مراکز آموزشی استثنایی استان خراسان جنوبی داشته است. نتایج پژوهش حاضر به‌جز پژوهش‌هایی که توسط کرکا و روح الهی انجام شده است، با نتایج تحقیق‌های مورداشاره همخوانی دارد. بر این اساس اگر به معلمان ابتدایی مدارس استثنایی بر اساس یک برنامه‌ی مدون، آموزش‌های مناسب خلاقیت ارائه گردد، در دانش، نگرش و مهارت‌های آن‌ها تغییر ایجاد شده و با آگاهی بیشتر و همین‌طور عملکرد مناسب‌تری در کلاس درس حاضر خواهند شد و این موضوع ایجاد زمینه دانش آموزان فعال‌تر، باانگیزه، مشارکت فعال در برنامه‌های آموزشی را به دنبال خواهد داشت. با توجه به نتایج به‌دست آمده پیشنهاد می‌شود از آنجایی که خلاقیت به‌عنوان یک سیستم است که برای رشد و گسترش آن وابسته به توجه هرکدام از عناصر مختلف این سیستم است. لذا هرکدام از عناصر سهم خاصی در رشد و توسعه خلاقیت در جامعه دارند، از جمله بحث فرهنگ اجتماعی و سازمان و نهادهای اجتماعی و نقش آن‌ها در ایجاد بستر لازم برای پرورش خلاقیت و لازم است درباره هر یک از عناصر و رابطه آن‌ها با رشد خلاقیت به‌صورت جداگانه به تحقیق و بررسی پرداخته شود. در حال حاضر آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در رشد خلاقیت مطرح است. در این میان هر نظام آموزشی نیز شامل عناصر مختلفی مانند معلم، محتوای آموزشی، برنامه درسی و فضای آموزشی است که از مهم‌ترین عوامل اثرگذار آموزشی در آموزشگاه هستند که لازم است هرکدام از این عناصر به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرند- این پژوهش به بررسی تأثیر الگو و برنامه آموزشی بر نگرش، دانش و مهارت معلمان می‌پردازد، اما مسائل بسیار دیگری از جمله تأثیر ویژگی‌های شخصیتی معلمان بر دانش آموزان، مقایسه روش‌های تدریس درباره نقش معلمان می‌بایست بررسی گردد- این تحقیق در گروه وسیع‌تری و در استان‌های مختلف انجام شود تا موضوع به‌صورت مشخص‌تر نمود پیدا کند- توصیه می‌گردد پژوهش‌های مشابه موضوع این تحقیق، در خصوص معلمان سایر دوره‌های آموزشی هم صورت گیرد.



منابع

- آمابیل، ترزا (۱۳۷۷). شکوفایی خلاقیت کودکان. ترجمه حسن قاسم زاده و پرورین عظیمی، نوبهار تهران.
- حسینی، افضل السادات (۱۳۷۸). ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن. آستان قدس رضوی مشهد.
- روح الهی، علیرضا (۱۳۷۲). تأثیر آموزش‌های ارائه شده در دوره متوسطه بر خلاقیت دانش آموزان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- سیف، علی اکبر (۱۳۷۴). روان شناسی پرورشی، آگاه تهران.
- یغمایی، علی (۱۳۷۵). تأثیر جوّ مدرسه در میزان خلاقیت دانش آموزان دوره راهنمایی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- Furman A (۱۹۹۸)Teacher and public Characteristics in the peception of the creativity of classroom climate, journal of creativity behavior.
- Hennissey BA(۱۹۹۵)social environment and development al issues and logy creativity, education al. psycho pevicw.۷(۲)
- Khaleefa, O. G. Erdos & I. Ashria (۱۹۹۶). Gender and Creativity in an Afro-Arab Islamic Culture. The case of Sudan. Journal of Creative Behavior, ۳۰, ۱, ۵۲-۶۰.
- Kerka, S(۱۹۹۹)Creativity in adulthood, erc clearing hous on adult, Columbus.
- Mendecka. G(۱۹۹۶)Development of cerativity through performing Arts, High Ability studies. Vol۷.No ۲۰.
- Zelina(۱۹۹۶)Creativity humanization and interation styles in education, studia psychologia. ۳۸(۱۲).

Surf and download all data from SID.ir: www.SID.ir

Translate via STRS.ir: www.STRS.ir

Follow our scientific posts via our Blog: www.sid.ir/blog

Use our educational service (Courses, Workshops, Videos and etc.) via Workshop: www.sid.ir/workshop